



۲۰۱۸/۰۹/۳۰

داکتر نور احمد خالدي

## جنگ در افغانستان و راه حل آن

### بخش اول

مبارزات انتخاباتی برای دور بعدی ولسی جرگه رسماً آغاز گردید. مهمترین مسایل سیاسی امروز کشور عبارت از ختم جنگ و تحکیم بنیادهای دموکراسی در کشور با تحکیم حاکمیت قانون و ختم نفوذ مافیای جهادی در دولت و جامعه اند. وقت آن است که از روشنفکران دعوت کنیم که بیابید در امر تحکیم دموکراسی بکوشیم، دست به دست هم داده برضد جنگ، انتحار و انفجار مبارزه کنیم، دست بدست هم داده برضد زورگویان و تیکه داران جهاد مبارزه کنیم، دست به دست هم داده برضد فساد و غارت مبارزه کنیم، دست به دست هم داده در مقابل ارتجاع سکتاریستی جدایی طلب قومگرایی مبارزه کنیم، بر ضد زورگویان محلی مبارزه کنیم.

متأسفانه بعضی ها تفاوتی میان ارتجاع قرون وسطایی طالبان که در خدمت منافع ستراتیژیک استخبارات نظامی پاکستان یک جنگ تحمیلی را برضد مردم افغانستان به راه انداخته اند و روشنفکران پشتون که از دل و جان مخالف آنند نمی بینند. هدف آنها تحکیم حکومت قانون نیست. هدف اصلی این اشخاص ختم جنگ، دست یافتن به صلح نیست بلکه ضدیت با قوم پشتون و بخصوص روشنفکران پشتون برای پاشیدن تخم کینه و نفرت قومی در جامعه به خاطر برتری جویی قومی و انحصار قدرت دولت است. با این برداشت و تا زمانیکه میان افراط گرایان پشتون و روشنفکران پشتون حد فاصل کشیده نشود به هیچ جایی نمی رسیم! راه دیگری وجود ندارد. جغرافیای کشور سرنوشت ما را بهم گره زده است. یگانه راه برای دست یافتن به آینده صلح آمیز و مترقی اتحاد روشنفکران تمام اقوام بر مبنای مخالفت با جنگ، ختم فساد، مبارزه با ائتلاف دزدان، و حاکمیت مافیایی، تحکیم دموکراسی، تحکیم حکومت قانون، برابری و پیشرفت اجتماعی - اقتصادی است.

سؤال اساسی آنست که دست یافتن به صلح چگونه میسر خواهد شد؟ تعدادی از تماس های اخیر امریکایی ها با طالبان ناراضی هستند. این گونه تماس ها میان طالبان با روس ها، ایرانی ها و چینیایی ها نیز صورت گرفته و صورت خواهد گرفت. این مذاکرات در چوکات یک کنفرانس صلح نیست و به معنی شناخت رسمی دولت موازی طالبان هم نیست که بدون اشتراک دولت افغانستان سبب تشویش باشد. بالاخره باید دانست که طالبان یا به تعبیر دیگر آ.ی. اس. آی. چه می خواهند و چگونه! پروسه صلح بالاخره باید از یک طریقی آغاز یابد.

## سیاست نزدیکی با پاکستان

جنگ موجوده در افغانستان را تنها دو کشور می‌توانند پایان دهد. پاکستان در قدم اول و عربستان سعودی در قدم دوم. پاکستان میزبان رهبران طالبان و خانواده‌های آنان است و جنگجویان آنها در مناطق امن آن تجهیز، تربیه و تجدید قوا می‌گردند و بیس از دو هزار کیلومتر سرحد مشترک با افغانستان دارد. عربستان سعودی به صورت غیر رسمی بزرگترین حامی مالی طالبان در سطح بین‌المللی است. ویکی لیکس افشاء کرد که: "عربستان سالانه دو میلیارد دلار را صرف تجهیز طالبان و شبکه‌های حقیقی در افغانستان می‌کند." ۳ گاردین، دسامبر ۲۰۱۰م [۱].

با درک اهمیت پاکستان و سعودی در منطقه و نقش انکارناپذیر آنها در جنگ افغانستان، رئیس‌جمهور غنی بعد از به قدرت رسیدن کوشش کرد تا سیاست خارجی خود را در منطقه طوری عیار کند تا این واقعیت‌ها در آن انعکاس یابند. محمد محقق معاون رئیس‌جمهور اجراییه دولت وحدت ملی به این ارتباط اظهار داشت: "من به این باور دارم که نباید گذشته‌ها را در مسائل جدید دخیل ساخت چرا که شرایط جدید، پاکستان را مجبور به مبارزه با افراطی‌گری کرده. چرا که این کشور هم از این ناحیه متضرر گردیده و همین مسئله موجب شده که این کشور اهدافش را با کشور افغانستان برای مقابله با تروریسم همسو سازد" محمد محقق، شفقنا، دوشنبه، ۱۸ اسفند ۱۳۹۳ " ([www.shafaqna.com/persian](http://www.shafaqna.com/persian))

این بر سیاستمداران افغانستان است تا پاکستان را در عمل قانع نمایند که افغانستان مدرن یک دوست طرف‌اطمینان‌آور است. پاکستان باید قانع شود که دولت موجود افغانستان بهتر از طالبان مطابق به منافع ستراتیژیک پاکستان می‌باشد. پاکستان باید قانع شود که یک افغانستان پیشرفته با تسهیلات و امکانات مدرن ترانسپورتی، معدنی، انرژی، آب و صنعتی به مفاد پاکستان است. بالاخره سیاستمداران ما باید اثبات کنند که ادامه‌ی معضله‌ی خط‌دیورند و همچنان دوستی تاریخی‌عنوانی با هندوستان مانع‌انکشاف دوستی و همکاری میان دو کشور نخواهد شد.

این عمل شجاعانه‌ی رئیس‌جمهور غنی، نزدیکی با پاکستان، و آزاد کردن زندانی‌های سیاسی بدون اتهام‌موجه و تثبیت جرم‌که سال‌ها در زندان‌های امریکایی‌ها بودند، با خشم شدید‌آنجایی در افغانستان مواجه شد که با هرگونه امتیاز دهی و راه‌حل سیاسی مسئله‌ی افغانستان که در آن عملاً تسلیمی کامل طالبان شامل نباشد مخالفت می‌ورزند. رئیس‌جمهور غنی و مشاوران ارشد او را طالب پرست و سرسپرده‌ی پاکستان قلمداد کردند. به سخنان اخیر احمد ضیا مسعود در این مورد توجه کنید. به دست و پا زدن‌های سیاف برای زنده‌نگهداشتن موقوف سران مجاهدین و ملیشه‌های آنها در دولت توجه کنید، به چهار دست و پا چسپیدن عطا محمد نور به مقام ولایت بلخ توجه کنید، به تهدیدهای شرم‌آور جنرال رازق قوماندان امنیه‌قندهار و همچنان تهدیدهای رئیس‌شورای ولایتی قندهار توجه کنید و خودسری‌های آشکار حاجی قدیر و ملیشه‌های او را در ننگرهار به یاد آورید.

کسانیکه به حمایت‌طیارات بی ۵۲ امریکایی به قدرت رسیده‌اند و در سال‌های اخیر با سیاست‌های اغماض و مصلحت‌گرایانه‌ی رئیس‌جمهور کرزی زمام امور نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این کشور را در اختیار دارند از تأمین صلح در افغانستان که نتیجه‌ی ناگذیر آن شمولیت طالبان در دولت افغانستان است واهمه دارند. این واهمه ناشی از خطر از دست دادن موقعیت ممتازی است که در دولت افغانستان دارند، خطر از دست دادن امتیازاتی است که در تشکیلات اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی کشور دارند. صدها نفر از قوماندانان بیسواد یا کم‌سواد

تنظیمی در حالیکه لباس های جنرالی و سترجنرالی به تن دارند هنوز هم سلاح کوت های تنظیمی خود را به طور غیر قانونی محفوظ نگهداشته و از هرگونه اقدام دولت برای نابودی آنها جلوگیری می کنند. این واهمه در نهایت ناشی از خطر از دست دادن گنج ها و سرمایه های قارونی است که با غضب زمین های دولتی، دارایی های مردم، امتیازات تجارتي، اختلاس قرارداد های دولتی و سوء استفاده از ملیاردها دالر کمک های خارجی بدست آورده اند. این واهمه سبب می شود تا با پروسه صلح مخالفت کرده آنرا سبوتاژ کنند.

در عین زمان مخالفت با پروسه صلح می تواند نا آگاهانه و ناشی از بی اعتمادی مردم از عملکرد دست اندرکاران پروسه و نحوه اجرای این پروسه باشد. در سیزدهم اگست سال قبل یک دوست محترم، انصارالله فوشنجی، در فیسبوک نوشتند که "من نمی دانم، شاید در هیچ جای دنیا، در هیچ نظامی، در هیچ اداره ای، در هیچ سازمانی هیچ سیاست مداری و یا سیاست گذاری بیشتر از ده سال يك سیاست شکست خورده و نا کارا را تجربه نکنند. حکومت کارمل - نجیب، سال ها بر طبل پاره شده ای آشتی ملی کوفتند و کوچکترین صدای از مجاهدین بر نخاست، ده سال تمام و یا بیشتر از آن جناب حامد کرزی بر سرناي گر و لال صلح دمید و صدای جز انفجار و جوابی جز انتحار نشنیدیم، میلیون ها دالر صرف شد، . . . و شور بختانه هنوز که هنوز است ما بر همان اساطیر اولین باور داریم ."

برداشت فوق در حقیقت خواسته یا ناخواسته دلایل مخالفین امرزی پروسه صلح با طالبان را به خوبی منعکس می کند. این مخالفین صلح نیز می گویند که دولت افغانستان تعریف واضحی از دوست و دشمن در کشور ندارد.

- آیا دولت افغانستان از لحاظ سیاسی، نظامی و حمایت بین المللی در موقفی است که ابتکارات صلح آمیز را کنار زده به راه حل نظامی متصل گردد؟
- آیا دولت افغانستان میتواند دوست و دشمن خود را آن طور که خود می پندارد تعریف و اعلان کند.

اخیراً شخصی به نام جاوید نادر مقاله بسیار چشم باز کنی در فیسبوک نشر کرده (سوم مارچ ۲۰۱۶م) زیر عنوان "ما و پاکستان: سه نکته".

او می نویسد: ". . . کمتر می دانیم که پاکستانی ها تا کنون دو جایزه نوبل (فزیک و صلح) گرفته اند، و دو روز پیش یک زن پاکستانی، "شرمین عبید چنای"، برنده جایزه اسکار شد. او بار دوم است این جایزه را در بخش مستند سازی کوتاه به دست می آورد. خلاصه، سیاستمداران. نظامیان، ساینس دانان، هنرمندان و مردم پاکستان بسیار پشرفته و پیچده تر از آن است که مردم افغانستان می پندارند. شاید این به خاطر تمدن کهنی باشد که پاکستانیان امروز در دامنش پرورش یافته اند؛ شاید میراث استعمار انگلیس باشد که آنها را جهانی تر ساخته است؛ شاید میزان بالای داد و ستد تجارتي و فکری باشد؛ شاید زیرکی رهبران سیاسی؛ و یا رقابت های نظامی همسایگانش . . . و یا شاید همه اش. اکثراً زمانی که ما مردم افغانستان در مورد پاکستان فکر می کنیم، توجه ما را خاک و آب خیبر پختونخوا و بلوچستان و یا ملاهای تندرو و پیروان چشم بسته آنها می برد. برخی از کهنه فکران ما فقط دال و دختران چاق سینمایی آنها را به یاد می آورند. افغان ها اکثراً پاکستانی ها را بی فرهنگ و بی تاریخ گفته توهین می کنند. ما شدیداً ضرورت داریم تا به ملت و دولت پاکستان بنگیریم تا ضعف های ما را متوجه شویم. و اگر اراده اش را داشتیم روزی این کاستی ها را پر کنیم ."

ظاهراً رئیس جمهور غنی با توجه به توانمندی های پاکستان کوشید مناسبات دوکشور را بهم نزدیک کند. در صحنه سیاسی ثمرات سیاست نزدیکی داکتر اشرف غنی با پاکستان و دادن امتیازات به آن کشور هرچند بطی بود اما تغییراتی در سیاست های متقابل پاکستان به مشاهده رسید. "سرتاج عزیز" مشاور امور خارجی صدراعظم پاکستان از موجودیت دیپوهای عظیم اسلحه، واسکت های انفجاری، و مهمات در زیرزمینی های مساجد مناطق قبایلی خیرداد و تائید کرد که رهبران پاکستان و خانواده های آنها در پاکستان زندگی کرده از خدمات صحتی و غیره این کشور استفاده می کنند. پاکستان در گروه کشورهای چهارگانه افغانستان، امریکا و چین اقدامات مشخصی در جهت پروسه صلح رویدست گرفته اولین نشست این گروه با طالبان را سازمان داد.

متأسفانه عمر این تغییرات مثبت کوتاه بود. مثل اینکه سیاست خارجی پاکستان مانند یک طیاره ایست که توسط اوتو پایلوت هدایت می شود. افساء خبر مرگ دو سال قبل ملا عمر رهبر طالبان این پروسه را به بن بست مواجه کرد. این که چه کسی یا مقامی در پاکستان، بخصوص در اردوی پاکستان و سازمان آی. اس. آی. تصمیم به سبوتاژ این پروسه گرفت تا حال مشخص نمی باشد، نتیجه آن شد که رهبری جدید طالبان زیر نظر ملا اختر منصور ابتکارات صلح آمیز را رد نموده به تشدید حملات تروریستی در داخل افغانستان پرداختند. یک نگاه اجمالی به نقشه مناطق تحت حاکمیت طالبان در افغانستان و مناطقی که احتمال خطر سقوط آنها از حاکمیت دولت پیشینی میگردد به وضاحت نشان میدهد که اردوی پاکستان و طالبان به پیروزی در جنگ اعتماد بیشتر یافته اند و در نتیجه به پروسه صلح علاقمندی ندارند.

پایان بخش اول

